

مقدمه

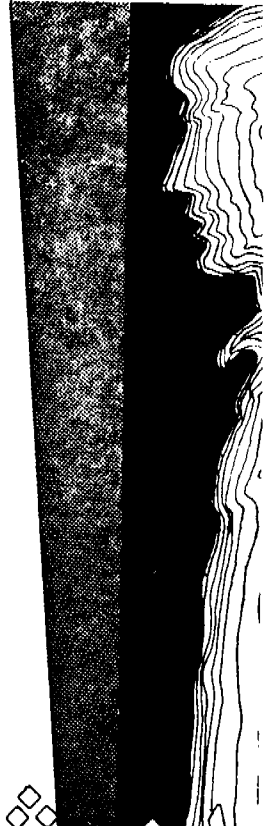
آنچه در این فصل ذکر میشود صرفاً "مربوط به لغزش استمنا" و عوامل پدید آورنده آن است. مقدمنا" باید یادآور شویم هنوز به درستی عواملی که سبب تن در دادن کودک به استمنا میشود مشخص و شناخته شده نیست و هم حتی علل تظاهرات جنسی در کودکان معلوم و مشخص نمیباشد. البته ریشه این حالات برای بوجوانان و جوانان تا حدود زیادی شناخته شده است و می دانیم که آنها آگاهانه بدین رفتار تن در میدهند.

آنچه در سایه مشاهده ها و بررسیها در کودکان می بینیم رفتار خود ارضائی در برخی از کودکان حتی از سنین شیرخوارگی بصورت ناخودآگاه و بازی با خود وجود دارد و این خود یک مرحله از اینگونه حیات است. مرحله دوم از حدود سنین چهار سالگی است که گاهی تا حدود ۸ و ۹ سالگی هم ادامه پیدا میکند و بالاخره مرحله سوم از حدود نوجوانی و بلوغ است که در صورت عدم درمان ممکن است هم چنان ادامه یابد و گاهی تا سنین بیری با او همراه باشد.

عوامل پدید آورنده آن

اینکه چه عواملی در پدید آمدن این حالت مؤثر است پاسخ این است که عوامل بسیاری در ایجاد این حالت و روحیه دخالت دارند که ما ذیلاً" به شرح و بررسی مختصر یکایک آنها می پردازیم:

علی ایسری



لغزشهای
جنسی

کودکان و نوجوانان

گاهی بیماری خاصی چون بواسیر سبب پیدایش این حالت میشود .

۵- رشد بدن : رشد بدن و بویژه دستگاہ تناسلی سببی برای تحریک پذیری است و در چنین مورد در پوشش و لباس کودک و بویژه در مورد زیر جامه باید مراقبت داشت که زیر و درشت و یا بسیار نرم نباشد . این زمینه برای نوجوانان بیشتر و برای پسران زیادتر از دختران است .

ب- عوامل مکانیکی تحریک

در این جنبه نیز مسائل بسیاری قابل ذکرند که برخی از آنها عبارتند از :

۱- دستکاری‌های کودکان بدین معنی که برخی از کودکان دائما " با خود بازی می‌کنند و دست‌شان با خودشان سرگرم است . در جائی که نتنهاستند و یا حتی در حضور دیگران چنین عادت بدی دارند . دست درجیب شلوار کرده و با خود بازی میکنند . در مستراح و حین دفع و یا در حمام با خود مشغولند . این امر تدریجا " عادت به استمناء را در آنان ایجاد میکند .

۲- مالیدن خود به تشک و یا به نرده و پله خود سبب دیگری برای بروز این حالت است در ابتدای کار این امر صورت بازی و سرگرمی دارد ولی بتدریج پایه غلطی در این رابطه گذارده میشود و طفل سر از ابتلاء در می‌آورد . بهمین نظر والدین و مربیان باید کودک را از اینگونه بازی‌ها دور نگه دارند .

۳- نوازشهای غلط مادران و یا پرورشکاران و یا مبتلایان به ضعف قوای جنسی که سعی

الف- عوامل زیستی

در این زمینه از مسائل و عواملی باید نام ببریم که عبارتند از :

۱- وجود انگل‌های معدی و کرمک که سبب پیدایش خارش در مقعد و در اطراف دستگاہ تناسلی میشود و کودک با خاراندن خود سعی دارد آن را از خود دفع و خویشتن را راحت کند . این خارش‌ها در مواردی سبب احساس لذتی در طفل میشود که از آن پس سعی به تکرار آن داشته و تدریجا " بدان مبتلا میشود .

۲- ابتلای به بلوغ زودرس که ناشی از عدم تعادل در ترشح هورمون‌ها و کار غدد بویژه غده جنسی است و ما در فصلی از بحثهای آینده ناگزیریم راجع به آن تفصیلا " بحث کنیم ولی کلا " باید ذکر کنیم که این امر ممکن است از سنین خیلی خردسالی عارض کودکان شود و در این ابتلا پسر و دختر مطرح نیست . هر دو جنس گرفتارند .

۳- وجود حالتی چون بیوست خود میتوانند عاملی برای این امر باشد و بهمین گونه است نگهداری ادرار و مدفوع در خود که ناشی از روش غلط تربیتی والدین است . عادت به تخلیه در کودکان باید از حدود سنین ۱/۵ سالگی در طفل پایه‌گذاری شود و طفل در این رابطه خاطره بدی در رابطه با دشواری تخلیه نداشته باشد .

۴- عدم رعایت بهداشت بویژه در دستگاہ تناسلی و دفع خود میتواند از عوامل موجهه این رفتار باشد . در اثر عدم شستشوی منظم حالت خارش در کودک احساس میشود و خاراندن خود سببی برای این امر میشود .

۳- جستجوی اطمینان برای کودک و نوجوان از این دید که منبع لذت او از بین نرفته و یا معوق نمانده است و این امر اغلب بغلت سینه‌ها و دیده‌های کودک است. طفل مسائلی را در رابطه با حیات مردان یا زنان می‌بیند و یا مسعود و برای کسب اطمینان در باره خود به آزمایش می‌پردازد.

۴- میل به اشتغال و بازی از ویژگی‌های حیات کودک است. اگر زمینه برای سرگرمی سالم جهت او وجود داشت به آن سرگرم می‌سوید و اگر مسئله خلاف آن بود به خود می‌پردازد و در همه حال برای آنها مهم است که دست و اعضای‌شان به چیزی مشغول باشد.

۵- سنع‌های غلیظ و شدید و تهدیدها و پرهیز دادن‌های مکرر از یک امر سبب می‌شود کودک به آن امر توجه بیشتری کند تا دریا بد در فبال آن حد واقعه و مسئله‌ای نهفته است. بویزد در آنگاه که سنع‌های والدین با سوز و اضطراب و دل نگرانی آشکار باشد.

۶- حالت نهانی و انزوا و حالت احساس بی‌کسی، سربار و زائد بودن، در نتیجه خود را از مهر و عنایتی محروم دیدن که از دیدی دارای حسد عاطفی است در این امر دخالت دارد و سوحیات لغزش و انحراف را فراهم می‌آورد. کودک و نوجوان را به خود منوجه می‌سازد و لغزشکاری با خود.

د- عوامل عاطفی

مسئله عاطفه را نمی‌توان امری ساده و بحساب ساداست تا آن در رفتار و از جمله در جنبه لغزش غیرقابل انکار است. استمناء کودکان اگر از این دید بررسی شود نوعی تلاش

دارند از طریق دستکاری با کودکان و بازی ناروا با آنان خود را تخلیه نمایند. این نوازش می‌تواند شامل دست‌کشی به کشاله ران یا برخورد دست به آلت تناسلی کودک باشد.

۴- سنتنوه‌های افراطی همراه با دستکاری کودک در حمام یا در سترج خود در این امر موثر است. شک نیست که مادر طفل و یا پرورشکار در حین شستن طفل چنین قصد و نظری ندارد ولی روش آنها سبب پیدایش این حالت در طفل می‌شود و مسکن است عسری او را میبلا نماید.

در کل فراموش نکنیم که تحریک آلت تناسلی سن بسیاری نمی‌خواهد بر اساس برخی از تحقیقات از حدود فاصله ۳ تا ۲۰ هفته‌ای در کودک وجود دارد و هر ندر که به سن کودک اضافه شود تحریک پذیری بیشتر است.

ج- عوامل روانی

از مسائلی که در این زمینه قابل ذکر است بسیار و برخی از آنها عبارتند از:

۱- اختلال روانی در کودکان و نوجوانان خود از عوامل و عللی می‌شود که طفل برای تازی به خود روی آورد. شاید از علل سهمی که در این رابطه با دیوانگان و روان پریشان برخورد می‌کنیم و آنها را مبتلای به این رفتار می‌نامیم همین امر باشد. مدانید که استمناء در نزد این گروه بسیار شایع است.

۲- کنجکاوی و کشف در کودکان هم سبب می‌شود که آنها برای شناخت بناوب تنای خود با حس مخالف اندام کنند و تا به اعضای خود حساس شوند و سر از دستکاری به کسفی در این رابطه ناشل آسند.

۳- مشاهده صور قبیحه و عکسهای تحریک کننده خود میتواند از عوامل لغزش و یا لااقل جهت دادن افراد به سوی رفتارهای ناروا باشد و بهمین نظر ضروری است بحای جستجوی علت انحراف در کودکان سعی به جستجوی علت از محیط کنیم .

۴- شنیدن داستانهای بدآموز و وقاحت بار نیز در این امر موثر است . همانگونه که شما به تشریح رفتار ناروای کسی میپردازید شنونده به صورت غیرمستقیم تحت تاثیر آن قرار خواهد گرفت .

و- عوامل دیگر

از عوامل دیگر در این زمینه میتوان مواردی را ذکر کرد که در تحریک ها به صورت مستقیم و غیر مستقیم دخالت دارند مثل استحمام بصورت لخت مادرزاد و در سنهائی و خلوت ، لباسهای نامناسب ، بستر بسیار نرم ، اطافهای تزئین شده برای نوجوانان ، پوشیدن کیسه های موسی برای بالغان عادی یا زودرس ، کنجکاوی های بسیار در حیات خصوصی زنان و مردان و ... همه و همه در این امر مؤثرند .

در موردی خوابیدن با شورت برای کودکان نوجوانان ، بالغان که سبب فرار گرفتن باها بر روی هم مسود ، کارباچرخ خیاطیهای پائی برای دختران نوجوان ، و دیگر اصطکاکها سبب پیدایش لغزشهایی در این رابطه خواهد شد .

بقیه در صفحه ۴۸

برای آزاد ساختن خود از نزاعهای داخلی و ناراحتیهای درونی است . و ما در این زمینه مواردی را مطرح میکنیم :

۱- احساس محرومیت در کودکان و نوجوانان خود بخشی از علل تن دادن کودکان و نوجوانان به استمناء و لغزش است . این امر بویژه در کسانی وجود دارد که محرومیت از مهر و محبت بویژه مهر مادری دارند .

۲- اضطراب و نگرانی در افراد که خود سبب وانگیزه‌ای میشود که آدمی پس از ابتلای به آن به دنبال تسکین برود . مخصوصاً آنها که ابتلاآت شان در رابطه با استمناء امری سابقه دار است خود به این امر روی می‌آورد و به افراط در آن می‌پردازد .

۳- حل عقده‌ها بویژه عقده حقارت که آدمی را وامیدارد برای جبران آزردهگی درونی خود و تعدیل آن و در مواردی هم غلبه بر عقده به آن اقدام نماید .

ه- عوامل اجتماعی

در زمینه عوامل اجتماعی استمناء مباحث بسیاری قابل ذکرند که برخی از آنها عبارتند از :

۱- برخی از بازیهای کودکان که موجبات تحریک و در پی آن لغزشها را در کودکان فراهم می‌کند مثل کول بازی که در آن کودکان بر دوش یکدیگر سوار میشوند ، قائم باسکها و ...

۲- نظر کردن به روابط دیگران . حتی در حیوانات در افراد ابر مسفی میگذارد . این امر بویژه برای آنها که از دنیای متفاوت زن و مرد سر درمی‌آورد و مخصوصاً در نوجوانان و بالغان بسیار خطر آفرین است و آنها پس از آن بدین سعی دارند خود را سبک کنند .

در تمام جوامع بشری، بانوان مسلمان، بویژه آنها که به شغل شریف مادری و سرپرستی خانواده اشتغال دارند، از لحاظ تربیت کودکان با دشواریها و مسائلی مواجه هستند. در کشوری چون آمریکا این دشواریها با جنبه‌های دیگری چون مسائل نژادی، جنسی تبعیض اجتماعی و نگرانیهای مربوط به هیجانات و التهایات روانی



نیاز به بانوان

مسلمانان روانشناختی

فقر خانواده نیز همراه می‌شود. دشواریها بهنگامی شدیدتر احساس میگردد که بانوئی بدون همسر، مطلقه، متارکه شده و کلاً بیوه باشد. در چنان صورتی اداره و تربیت فرزند کاری آسان نیست. اجرای نقشی دوگانه یعنی نقش مهرمادری و انضباط‌پذیری او نیاز به آگاهی و مهارت کافی دارد، بویژه که در جوامع غربی فشارهای اجتماعی هم بر او افزوده شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ترجمه و اقتباس از مجله افقهای
اسلامی در آمریکا
شماره ۱ - سال ۱۹۸۵
نوشته بانوی مسلمان ظریفه حسن



مشکل دیگری متوجه بانوان مسلمانی است که در غرب زندگی میکنند، همسرشان از آنها دور و یا درزندان است، کودکی هم ندارند که ساعتی از اوقات خود را با او بگذرانند. دلگرمی شان به کار و شغلی است که روزانه با آن سرگرمند. شب هنگام را باید با تنهایی و نگرانی و در دنیائی از اضطراب بگذرانند.

بانوی مسلمانی که طلاق گرفته و در عین حال مسئولیت خانواده را برعهده دارد در مواردی مواحه با فقر و درماندگی میگردد. برای تأمین بخشی و یا کلیه ای از مخارج خود دچار محصه میشود. و قادر به رفع نیازهای اساسی خود نیست. در چنین صورتی دشواری دیگری هم در این راه بر زندگی او افزوده میشود. میخواهد خود را و فرزند خویش را اداره کند ولی توانائی آن را ندارد. و در اینجاست که حیرتی عظیم او را فرا میگردد.

از دشواریهای بزرگ بانوان مسلمان بویژه در دنیای غرب این است که میخواهند فرزندان خود را مسلمان بار آورند و متأسفانه مدارس در چنین وضع و موقعیتی نیستند. کودکان مسلمان در مدارس غربی احساس غربت میکنند و خود

را تنها و منزوی می بینند. مواحه با دودنیای جدای از بکدیگرند. از یکسو با دستورات و رفتار مادر مسلمان خویش مواجهند که آنها را به سوئی خاص جهت میدهند و از سوی دیگر با امر و نهی معلمان و مسئولان مدرسه که جو کودکان موجود در آن، و هوا و فضای مدرسه نیز آن را تأیید میکنند. وانگهی اگر کشوری اسلامی موفق شود برای اتباع خود در غرب مدرسه‌ای تأسیس کند باز هم حال و هوای محیط در کودکان موثر خواهد افتاد و مشکلات تربیتی همچنان در جای خود باقی خواهد بود.



بدینسان، مادری مسئول جدا" خود را مسئول و متعهد احساس میکند. این احساس در قبال فرزند خویش است که او وظیفه دارد. مسلماتش بار آورد، و در قبال جامعه و دنیای اسلامی خویش که چشم بدراه‌نسل‌ی حانشین هستند، و بالاخره احساس مسئولیت در قبال خدا و پیامبر خویش است که طفل همچون امانتی از خدادار دست اوست. این مادر، که دنیای کودک است و با فرزند خویش در این دنیای عظیم سرگردان است، چه کند؟ چگونه گلیم خود و فرزند خویش را از میان این سیل و طوفان

نجات دهد؟ ایمان او مددکار اوست، و در این سخن ما را انکاری نیست، ولی نیاز به آگاهیها و فتنونی دارد که در سایه آن بتواند به امر تربیت اسلامی فرزند همت گمارد و از این غرقابها نجاتش بخشد.

بدینسان ضرورت ایجاب میکند که بانوان مسلمان روانشناس باشند از فنون تربیت با استفاده از اصول روانشناسی مددگیرند و تعالیم و ضوابط اسلامی، و بهتر بگوئیم فرهنگ اسلامی را از این طریق به کودک القاء نمایند. در جوامع غربی که بانوان مسلمان در حل مسائل و دشواریهای تربیتی، با مشکلاتی روبرو میشوند و حداً" تنها و غریبند، ضروری است گردهمائی‌های ماهانه و فصلی برگزار شود و برای ریشه کن ساختن آن دشواریها اقدامی اساسی بعمل آید. در همه حال خاطر نشان باید کرد که پدران و مادران در قبال فرزندان مسئولیت دارند. ولی مسئولیت مادران بیشتر است و انتظار سازندگی و پرورش نسل متعهد و مسلمان از او زیادتر.



آیا بدر و مادری می‌توان یافت که یک بار در باره برخی از جنبه‌های رفتار فرزندان خود نگران و اندیشناک نشده باشند؟ احتمالاً نه. فرق نمی‌کند که چه اندازه به فرزندانتان نزدیک باشید یا ناچه حد ایشان را دوست بدارید، به هر حال اوقاتی پیش می‌آید که رفتارشان در نظر شما معما می‌نماید. کودکان همچنان که به وسیله کلمات یا ما سخن می‌گویند، از طریق رفتار خود نیز سخنانی می‌گویند که باید در فهم آنها کوشش کنیم و این وظیفه پدر، مادر، آموزگاران، و مربیان است که به سخنان کودکان گوش دهند، سپس زبان کودکی بکشایند.

مسهور جنین است که "فهم‌گفتار از فهم‌کردار آسانتر است"، ولی باید به خاطر داشت که در ورای هر یک از کارهای یک کودک علتی نهفته است. نوجه و مراقبت نسبت به مشکلات عاطفی یا جسمی کودک به ما کمک می‌کند که از بروز مشکلات بزرگتر جلوگیری کنیم. اطلاع دقیق از ویژگیهای روانی نوباوگان، در فواصل سنی معین ارزشیابی کارهای برجسته آنان را آسانتر می‌کند و معلوم می‌دارد که چه کارها باید مورد توجه مخصوص قرار گیرد. جنبه‌های مهم رفتار یک کودک، در هر سن و مرحله‌ای، عبارت از افکار و احساساتی هستند که اعمال او را موجب می‌شوند. روابط و مناسبات کودک. بانزدیکانش از قبیل پدر و مادر، پدر بزرگ و مادر بزرگ، برادران، خواهران، آموزگاران و همساکردان در شکلگیری افکار، احساسات و ادراکات او به طور موثر کمک می‌کند.



آموزش و پرورش در سالهای اول دبستان

کودکان را، که اغلب از دید پدر و مادر نهان می‌ماند، ببینند. وقتی که پدر و مادر و آموزگاران بایکدیگر در تماس باشند و همکاری و همفکری کنند، از راه‌های بسیار می‌توانند کودک را یاری کنند. البته کودک مطمئن است که پدر و مادر و آموزگاران به او و پیشرفتش عنایت دارند و همین امر بر شوق و تحرک او می‌افزاید. تماس با آموزگار همچنین به پدر و مادرها امکان می‌دهد که از مشکلات اهل مدرسه آگاه شوند و به طور کلی اطلاعات صلاحیحتری از زندگی مدرسه به دست بیاورند. پدر و مادر و آموزگاران می‌توانند برای شناختن بهتر کودک و نیازمندیهای او مشترکاً "گوشش کنند و چنین همکاری غالباً" شیوه‌های تازه و مهمی را به آنان آرزانی می‌دارد که به یاری آن می‌توانند نوباوگان را در راه رسیدن به کمال راهنمایی کنند.

گسترش افق زندگی

در سالهای اول دبستان، افق زندگی در برابر دید کودکان شما گسترش می‌یابد. آنها در برابر خود تجربیات تازه، دوستان جدید و مبارزات تازه‌ای می‌بینند و از اینکه روزبه روز بزرگتر و مستقل‌تر می‌شوند لذت می‌برند و در عین حال در این سالها پدر و مادر نیز نتیجه زحمات خود را بازمی‌یابند. این بسیار مهم است که ببینیم کودکی خردسال گامی بلند در راه آموختن چیزهای تازه برمی‌دارد، و شخصاً دوستان جدیدی برای خود پیدامی‌کند. اغلب کودکان دبستان را دوست می‌دارند و می‌خواهند که چیزهای تازه بیاموزند و در این هنگام

کودک از طریق تجربیات خود یاد می‌گیرد که به دیگران اعتماد کند یا نکند، به خویشتن اعتماد داشته باشد یا احساس حقارت کند، فردی معاشرودوستی‌پذیر باشد یا مردم‌گریز و کمرو. در عین حال باید به یاد آوریم که رفتار یک کودک در مراحل مختلف رشد به طور مداوم تغییر می‌کند و کودکان توانایی و قابلیت انعطاف خود را به نحو شایسته‌ای دگرگون می‌کنند. هر کودک یک شخصیت منحصر به فرد است و حق اوست که احتیاج داشته باشد که او را فقط به خاطر خودش بپذیرند و دوست بدارند. وقتی که یک کودک وارد مدرسه می‌شود، دنیای او به طور قابل ملاحظه‌ای توسعه می‌یابد.

یکی از چیزهای بسیار مهم که مدرسه به کودک آرزانی می‌دارد باز شناختن مجدد خویشتن است. بدین معنی که کودک درباره خود به عنوان یک شخصیت مستقل و جدا از خانواده‌اش چیزها می‌آموزد. همچنین مدرسه هوش تازه‌ای درباره انجام دادن کارها به او می‌بخشد، یعنی کودک درک می‌کند که می‌تواند مهارت‌های تازه کسب کند و از آنها استفاده ببرد. در همان حال مدرسه فرصت تازه‌ای برای بهره‌وری از تجربیات بیشتر اجتماعی به او می‌دهد. البته پدر و مادر و خانواده همچنان به عنوان دنیای مطمئن و آشنای او باقی می‌مانند، دنیایی که در عین پذیرش دگرگونیهای سایر جنبه‌های زندگی، وابستگی خود را به آن همیشه حفظ می‌کند، همین بارقه امید و اطمینان است که شوق آموختن و عمل کردن را در او برمی‌انگیزد.

آموزگاران در چنان موقعیتی هستند که می‌توانند جنبه‌های گوناگون شخصیت و رفتار

کودک خردسال و ویژگیهای روانی

یک دانش آموز دبستانی از دوران بچگی بسیار دوراست، ولی نه چندان که گاهگاه به آن باز نگردد و حرکات بچگانه از او سرنزند. احتمالاً این حرکات هنگامی سرمی زند که او خشمگین یا خسته و افسرده می شود. آموزگاران می گویند که بهانه گیری و کج خلقی، گریه و حتی مکیدن انگشت راز دانش آموزان سالهای اول دبستان مشاهده کرده اند. ولی این مسائل مرتباً "کاهش می یابد بخصوص در صورتی که علل آن جستجو شود و شناختن عاقلانه از کودک به عمل آید.

تفاوت کودکان

توانایی و هماهنگی عضلانی کودکان مخصوصاً عضلات درشت پاها، بازوان و گردن روزبه روز افزایش می یابد و این امر درد و جرحه سواری، شرکت فعالانه در بازیهای مدرسه و امثال آن به کودک یاری می کند. باینکه وری از همین رشد جسمانی است که مثلاً کودک نیروی بسیار صرف می کند تا نشان دهد که او قبل از همه به صف ایستاده است. رشد و هماهنگی عضلات کوچکتر از قبیل عضلات دست و چشم، که در کار نوشتن و خواندن از آنها استفاده می شود، کمتر است و در کودکان مختلف بیشتر فرق می کند. حتی در یک کودک نیز ممکن است هر روز یا روز دیگر فرق کند به دست آوردن و استفاده از مهارتهای تازه، از قبیل خواندن و نوشتن و حل مسائل حساب، ممکن است برای هر کودکی دشوار باشد و آموزگار و پدر و مادر باید هر سه برای موفقیت کودک در این مهارتها شکیبایی و حوصله بسیار به خرج دهند.

خود را مهم می شمارند و از تصمیمات و فعالیتهایی که در پی آن هستند احساس خرسندی می کنند. در این دوره، از کودکان انتظار می رود که ارتقایابند و خودشان، از اینکه این انتظار دیگران را برمی آورند، خشنود می شوند. دیگر کودکان ممکن است، با چنین آمادگی خود را یا محیط سازش ندهند و چنین آشکارا ابراز خوشحالی نکنند، ولی برای همه کودکان کسب کمال و پذیرفته شدن در جهانی بزرگتر اهمیت فراوان دارد.

برخی از کودکان در چنین شرایطی پربشانهال می شوند. اینان کودکان خجول و کمروبی هستند که قبل از برداشتن یک گام کوچک، بسیار می اندیشند و نقشه می کشند و سرانجام نیز با نوسانات فکری و ارادی بسیار دست به کار می زنند، ولی با توجه و حمایت صحیح کار خود را در مدرسه و خانه بخوبی انجام می دهند و بسبب تدریج که بزرگ می شوند، قدرت و شهامت را که بدان نیازمندند کسب می کنند. کودکانی که انتظار می رود به خودمتمکی باشند، باراهنمائی شایسته، معمولاً دیر یا زود پاسخ مساعد به این انتظار می دهند و از اعتماد به نفس برخوردار می شوند.

برخی کودکان خصایل اخلاقی دیگر از قبیل برخاشگری و امثال آن بروز می دهند، و در بعضی از آنها هم تواناییهای شگرف دیده می شود، ولی به هر حال هر کودک احتیاج دارد که به صورت شخصیتی مستقل دیده شود و از آن نوع قضاوت و کمک دیگران برخوردار شود که با نیازهای واقعی وی برخورد داشته باشد.

مطمئنترین راه برای ابراز عشق و علاقه به کودک این است که به طور ساده و روشن به او بفهمانید که او را به خاطر خودش دوست میدارید. البته کودکان خود میتوانند از رفتار خوب دیگران سرمشق بگیرند، بدون اینکه نیازی به رقابت افراط آمیز به منظور جلب توجه و نظر اطرافیان باشد. برخورد با مسائل خانوادگی، شادبها و خوشبها و ناراحتیهای غیر قابل اجتناب آن، میتواند کودک را برای زندگی در جهان بزرگ خارج خانه آماده سازد.

وقتی که پدر و مادر از رفتار و پیشرفت یک کودک خوشنود باشند و در باره پیشرفت او واقع بینانه فضاوت کنند، کودک نیز آسانتر و بانشاط بیشتر میتواند به طرف رشد و کمال پیش رود. کودکان همواره از امیدها و آرمانهای پدر و مادرشان در باره خود آگاهی دارند و معمولا "میخواهند که در مقیاسی صحیح و واقعی ارتقا

در این سن و سال کودکان می توانند در لحظات کوتاه تمرکز حواس عمیق پیدا کنند و طوری درکار خود غرق شوند که به راستی، وقتی که صدایشان میزنید، متوجه نشوند. درست در همین زمان زندگی اجتماعی کودک نیز به سرعت توسعه می یابد و کودک دوستان جدیدی پیدا می کند و در فعالیتهای خارج از خانه بیشتر شرکت می جوید و رفته رفته از کثرت مشغله احساساس گرفتاری می کند!

چاره جوئی مشکلات

کودکان در هر گروه سنی به طور آشکار با هم فرق میکنند. گرچه گفتن پاره ای کلیات در باره کودکان تکلیف انسان را آسان میکند و موجب آسایش خاطر میشود، ولی هر پدر و مادری به خوبی میدانند که، در موارد بخصوص، به طور دقیق چه تصمیماتی باید بگیرد. اطلاعات خاص هر پدر و مادر در باره فرزند خودش بسیار با ارزش است. از طرف دیگر تهیه یک فهرست منظم در باره کارهایی که بچه باید بکند یا، در این مورد که بچه باید چگونه باشد، کاری خطرناک است. این کار چنان است که از کودک بخواهیم که کفش دیگری را بپوشد و احساس راحتی کند. بر آوردن چنین انتظاری محال است. بنابراین، عاقلانه خواهد بود که از مقایسه کودک با خواهر یا برادرش مخصوصا "از نظر کار، توانائی، قیافه، ظاهری و هر چیز دیگری خودداری کنیم. هر کودکی تواناییها و محدودیتهائی دارد و از هیچ کس نمیتوان انتظار داشت که همه کارها را به خوبی انجام دهد.





زندگی خانوادگی امروز مانند گذشته ثابت و یکنواخت نیست. به عنوان مثال: روز به روز تحرک خانواده‌ها بیشتر میشود و کودکان مجبورند که با محل سکونت جدید و جمعیت تازه خو بگیرند، به مدرسه تازه بروند و با چهره‌های جدید آشنا شوند و از میان آنان دوستانی برای خود بگیرند. خوشختانه نوباوگان ما به طور قابل ملاحظه‌ای قابل انعطاف هستند و عکس العمل مساعد نشان میدهند و فقط لازم است که گاهی از اوقات در رفتارشان اندک تعدیلی به عمل آید. به هر حال کودکان در این گونه مواقع احتیاج به حمایت شورانگیز بزرگترها دارند. پدر و مادر و آموزگاران با کمک یکدیگر میتوانند از بزرگ و مزمن شدن مشکلات کوچک جلوگیری کنند و اینک ما به بررسی برخی مشکلات که گاهگاه خودنمایی میکنند میپردازیم.

یابند. البته راه پرورش و ترقی کودک سراسر هموار نیست. مشکلاتی که احتیاج به توجه و چاره‌جویی خردمندان دارند گاه‌به‌گاه خودنمایی میکنند و احياناً "فشارها و خمبگیهای زندگی روزانه سبب میشوند که در رفتار کودک مشکلاتی پیش آید، ولی این امر موقتی است و به زودی سپری می‌شود. کودکان در برابر فشارها و سختیهای زندگی امروزی بیش از پدر و مادر خود مصون نیستند. حتی انتظار میرود که در سنین اول عمر فعالیت و زحمت بیشتری متحمل شوند تا بدان حد از رشد برسند که بتوانند کارها را به درستی انجام دهند. بنابراین توقع کار صحیح و عالی از کودک داشتن تا اندازه زیادی تند و افراط‌آمیز است.

